



رضا معطریان / ایران

گفتمان «عدالت و جمهوریت» و سیاست‌گذاری اقتصادی در دولت سیزدهم در گفت‌وگو با سیداحسان خاندوزی (وزیر امور اقتصادی و دارایی)

## جمهوری اقتصادی، شرط عدالت اقتصادی

چگونه دولت سیزدهم با جمهوری‌خواهی در اقتصاد، برقراری عدالت اقتصادی را دنبال می‌کند؟

■ **گفتمان دولت سیزدهم بر پایه دال‌های مرکزی عدالت و جمهوریت صورت‌بندی شده است. اکنون مسئله اصلی در دولت، تسری این گفتمان از امر سیاسی به لایه سیاستی است تا در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولت ظهور یابد؛ اما پیش از اینکه نسبت سیاست‌های اقتصادی دولت سیزدهم با گفتمان دولت سیزدهم را ارزیابی کنیم، بفرمایید از اساس چه روایتی از نظم اقتصادی ایران در انتهای دولت دوازدهم داشتید که گمان می‌کردید وضعیت اقتصادی کشور، مقتضی گفتمان «عدالت و جمهوریت» است؟**

قبل از اینکه بخواهم به آخرین سال دهه نود و روی کار آمدن دولت سیزدهم اشاره کنم، می‌خواهم روایت اقتصاد ایران را از ده سال قبل از آن شرح بدهم؛ چون به نظر من پر دهه نود، درمجموع سرنوشتی نسبتاً متحدالشکل و مشابه حاکم بود و آن این بود که «دولت‌رفاه نفتی» ایران در اولین سال دهه نود به سقف عملکرد خودش رسیده بود. بهترین شاخص‌های اقتصادی را در همان سال ۱۳۹۰ داریم. به نظر می‌رسد تمام تمهیدات و زمینه‌ها برای

اینکه کارنامه‌ای از آن دولت‌رفاه نفتی ارائه بشود، در همان سال به بهترین صورتش تبلور یافت. بیشترین درآمد سرانه ایران بعد از تمام سال‌های انقلاب، مربوط به سال ۱۳۹۰ است و یکی از بهترین سال‌های نیم‌قرن اخیر کشور از نظر کاهش فاصله طبقاتی و شکاف درآمدی همان سال بوده است. بیشترین درآمد نفتی و بنابراین تراز تجاری مثبت را هم شاهد هستیم؛ اما به دلایلی که برمی‌گردد به مصیبت‌های ساختاری، که از قبل گرفتارش بوده‌ایم، بلافاصله و بعد از کمتر از یک سال، وارد دوره طولانی و همزمان رکود، تورم و شکاف درآمدی شدیم؛ یعنی دقیقاً از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۴۰۰، غیر از آن دو سالی که فترت ناشی از اجرای برجام دوباره مجال یک تنفس موقت به دولت‌رفاه نفتی داد و دوباره شاخص‌های ما نفسی کشیدند، در کل این بازه ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ شاهد بودیم که آن مصیبت‌های ساختاری، خودش را کاملاً بر این دستاوردهای مقطعی اقتصادی و شاخص‌های روزهای خوش اقتصاد تحمیل کرد؛ به‌نحوی که در کل این دهه از بالاترین درآمد سرانه به نزول مستمر درآمد سرانه، از تورم تقریباً کنترل‌شده و مدیریت‌شده

به یکی از بدترین دهه‌های تورمی اقتصاد ایران، و از بهترین نقطه توزیع درآمدی به یک دهه وخامت وضعیت عدالت توزیعی مستمر رسیدیم. این شکستگی و آسیب‌پذیری معلول مصیبت‌های ساختاری اقتصاد ایران بود.

امید می‌رفت که با مسئله‌شناسی اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۲ که در قالب سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری ابلاغ شد، چاره‌ای اندیشیده شود؛ اما ما تقریباً یا تحقیقاً تا پایان این دهه هیچ برون‌رفتی از وضعیت قبل خودمان نداشتیم؛ یعنی نه در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ که مجال بیشتری برای اصلاحات اقتصادی بود و فشار خارجی در حال کم‌رنگ شدن بود، نه از ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ که دوباره فشار خارجی به اوج خودش رسیده بود، در هیچ‌یک از این دو مقطع فی‌البداهه و الرضاء، اقتصاد ایران درمجموع نتوانست از هسته سخت ساختاری خودش بیرون بیاید. به‌ویژه دولت دوم آقای روحانی مصداق بارز این نتوانستن در تغییر این پله‌ها بود که اجازه نمی‌داد اقتصاد ایران وضعیتی بهتر از این را تجربه کند. شرح این ناتوانی جزئیاتی دارد که چون می‌خواهم به وضع

ویژه‌نامه



ایران

چهارشنبه  
۲ شهریور ۱۴۰۱